

قانونیات نقاط دیگر مملکت نباید صرف مخارج امنیت تهران شوند و البته وقتی که مستشار وارد شد خود او کاملاً این مسئله را رعایت نموده و نظایه راجز و اداره بلدی محسوب خواهد داشت . این قانون شامل حال آنها هم می شود . و چون اجرائیات برخلاف قانون اساسی توسط نظایه صورت می گیرد لذا نمی توان او را از این ماده مستثنی فرض کرد و اگر آن هارا از این قانون خارج بدانیم اولاً مثل این است که قانون نوشته ایم و در صورتی که نظایه برخلاف قانون بمأمورین حکم کند آنها نباید قبول کنند .

مخبر - بمقیده من شاهزاده اشتباه کرده اند برای اینکه افراد نظایه داخل درجات این قانون نیستند و اگر بنا باشد این قانون شامل حال افراد ازان هم بشود باید تصدیق نامه از مدارس متوسطه داشته باشند در صورتی که برای ازان این تحصیلات لازم نیست فقط باید یک سواد مختصری داشته باشد آنها داخل در مستخدمین کشوری نیستند هم چنین ژاندارمها و نظامیان و آن هار کدام قانون علیه دارند چون این مراتبی که در قانون از قبیل ثبات و منشی و رئیس شعبه ذکر شده شامل حال آنها نیست و آنها یک قشون کوچکی هستند که برای داخله شهرها تشکیل می شود همین طور ژاندارم که برای تامین خارج از شهرها معین می شوند باین مناسبت نمی توان آنها را مشمول این قانون دانست

رئیس - رأی می گیریم بماده نهم آقایانی که ماده نهم را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . بقیه مذاکرات می ماند برای روز ۳ شنبه دوساعت بغروب مانده .

(مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه یکصد و پنجاه و نه

صورت مشروح مجلس یوم

سه شنبه هشتم عقرب ۱۳۰۱ مطابق

دهم شهر ربیع الاول سنه ۱۳۴۱

مجلس یکساعت قبل از غروب ریاست

آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم یکشنبه ششم عقرب

را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

(اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه

کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و

وبمقام ریاست هم عریضه عرض کرده بودم

کمسیون هم تصویب کرده ولی در صورت

مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند

باین حال صبحها که قدری حال خوب

بوده برای کمسیون حاضر می شوم .

رئیس - کافه جناب عالی مراجعه شده بکمسیون هر وقت تصویب کردند راپورت دادند عبارت اصلاح می شود والا همین طور باقی خواهد ماند .

آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - خیال می کنم آقای

قوام الدوله را در صورت مجلس غایب

بدون اجازه نوشته اند ایشان علاوه بر این

که مریض بودند بتوسط بذره هم کافه

نوشته و اجازه خواسته بودند هم عریضه

ایشان را بمقام ریاست تقدیم کردم

رئیس - کافه ایشان امروز رسید

و مراجعه شد بکمسیون اگر کمسیون اجازه

داد اصلاح می شود دیگر ایرادی نیست؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

آقای شیخ الاسلام از اصفهان تلگراف کرده

اند که ده روز دیگر هم علاوه بر چهل و

پنجاه روز بایشان اجازه داده شود . کمسیون

هر ایش رد کرده است حالا باید راپورت

کمسیون رأی گرفته شود . مخالفی

نیست ؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - رأی می گیریم راپورت

کمسیون . آقایانی که مفاد راپورت

کمسیون را تصویب و مرخصی ایشان دارد

می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - راپورت کمسیون تصویب

شد . قانون مجا که وزراء معجزات اشخاصی

که مرتکب بعضی امور خلافی می شوند

رسیده است بکدام کمسیون باید رجوع

شود ؟

آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده چون این

قانون را اول قدم برای سعادت مملکت

می دانم خیلی خوشوقتیم که این قانون

بمجلس آمده و عقیده ام این است اگر

بهمان کمسبونی که برای قانون شورای

دولتی از هر شعبه یک نفر عضو معین شده

مراجعه شود بهتر است

رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بنده عقیده ام این است

که باید بکمسیون عدلیه مراجعه شود و

بافرمایش آقای آقا سید یعقوب مخالفم و

پیش نهاد می کنم بکمسیون عدلیه مراجعه

شود .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام

این است که اگر بکمسیون شورای

دولتی هم رجوع نشود

به کمسیون خاصی باید مراجعه هود برای

اینکه این يك مطلب لازمی است که پس از

عدلیه مراجعه شود چون کار زیادی دارد از کارهایش باز می ماند . و کارهای ناتمام خود را نمی تواند تمام کند و اگر آقایان به کمسیون شورای دولتی موافق نیستید به يك کمسیون خاصی بفرستند که زودتر بگذرد چون همه منتظر همین قانون هستند .

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده با شاهزاده

محمد هاشم میرزا موافقم

رئیس - آقای آقا سید فاضل

چطور ؟

آقا سید فاضل - بنده هم با حضرت

والا موافقم .

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست

غیب - بنده هم موافقم به کمسیون خاصی

مراجعه شود .

رئیس - اغلب آقایان با کمسیون

خاص موافقت

آقایانی که تصویب می کنند بکمسیون

خاص مراجعه بشود قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد عده اعضایش

باید شش نفر باشد یا دوازده نفر یا

هیچده نفر ؟

آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - بنده عقیده ام این

است که شش نفر از هر شعبه یک نفر انتخاب

شود کافیست

رئیس - آقای سدید الملک

(اجازه)

سدید الملک - بنده هم عقیده ام

این است که از شعب معین شود ولی عده اعضایش

بسته برآی مجلس است

رئیس - آقای آقا سدید یعقوب

(اجازه)

آقا سدید یعقوب - بنده با آقای

سهام السلطان موافقم

رئیس - مخالفی با شش نفر

نیست ؟

اقبال السلطان - بنده مخالف

هستم .

رئیس - بفرمایید

اقبال السلطان - اولاً چون این

قانون موضوعش خیلی مهم است هر چه

اعضا کمسیون زیادتر باشد بهتر است

تا در اطراف آن زیاد بحث و مذاقه بشود

بعلاوه اگر عده شش نفر باشد کمتر حاضر

می شوند و اکثریت نخواهد داشت و این

قانون بتأخیر می افتد این است که بنده عقیده

دارم دوازده نفر باشد که همیشه شش هفت

نفر در کمسیون حاضر باشند و اکثریت

داشته باشد والا با شش نفر کمسیون تشکیل نمی شود و همین طور می ماند

رئیس - رأی می گیرم به شش نفر

بعده دوازده نفر

آقایانی که شش نفر را تصویب میکنند

قیام فرمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - رد شد . پس همان دوازده

نفر خواهد بود . قانون استخدام از ماده

دهم مطرح است

مذکور السلطنه (معاون وزارت

عدلیه) - قبل از اینکه مجلس داخل در

دستور بشود عرض می کنم در تعقیب

مذاکراتی که دولت با آقایان علماء کرده

بالاخره يك تصمیماتی اتخاذ شد و چون

باید بتصویب مجلس برسد لایحه در تحت

۳ ماده از طرف دولت حاضر شده و با تقاضای

فوریت تقدیم میشود

(آقای مستشار السلطنه پیشنهاد

فوق الذکر را)

(بشرح ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم مجلس شورای ملی

شید الله ارکانه

چنانچه خاطر آقایان نمایندگان

محترم مسبوق است از چندی قبل آقایان

حجج اسلام طهران مطالبی را از هیئت دولت

تقاضا نموده اند مطالب مزبور بطور اجمال

راجع بدو موضوع است یکی راجع است

بموضوع جراند و مطبوعات که اخیراً در

بعضی جراند مطالبی برخلاف اصول مذهب

و دیانت انتشار یافته و آقایان حجج اسلام

نظر باصل بیستم قانون اساسی اظهار

می نمایند این گونه مطالب باید قیلاً بوسیله

اشخاص خبره و بصیر در امور شرعیات مذاقه

شده بعد از آنکه عدم مخالفت آن باموازین

شرعیه تصدیق شد اجازه طبع و انتشار

داده شود و هر گاه مدیران جراند یا نویسندگان

مقالات یا طبع کنندگان مطبوعاتی بدون

مراجعه بمقامات شرعیه مطابق برخلاف مذهب

و دین اسلام طبع و نشر نمایند اوراق مزبور

جمع آوری و توقیف شده مدیران نویسند و

طبع کنند مطابق قانون مطبوعات مجازات

شود . مطلب دیگر راجع بمواد است که

در غیاب مجلس شورای ملی باسم قانون

جزای عرفی تدوین شده و بهوقع اجرا

گذاشته شده است

چون آقایان حجج اسلام مواد مزبور را

مخالف با قانون شرع مطاع می دانند تقاضا

دارند مواد مزبور در تمام مملکت عملامفی

شده و در تحت ماده قانونی که از تصویب

مجلس مقدس بگذرد و الغاء آن در تمام

مملکت اعلام گردد

قانون جزا اترقی که مخالف باموازین

شرعیه نباشد تهیه و بمجلس شورای ملی

پیشنهاد شود

نظر بمراتب فوق دولت تقاضای

آقایان حجج اسلام را در ضمن سه ماده

قانونی به مجلس مقدس پیشنهاد نموده چون سرعت انجام آنرا لازم می داند تقاضا می نماید مواد قبل بقرینت از تصویب مجلس شورای ملی گذشته بموقع اجرا گذاشته شود

ماده اول — نظر باصل بیستم قانون اساسی که آزادی مطبوعات در غیر کتب ضلال و مواد مضرة بدین اسلام است باید دولت اعلان عمومی نماید و مخصوصاً از مدیران جراید و مطابع التزام بگیرد که هر کس و هر وقت بخواهند در امور مربوط به بدین اسلام و مذهب اصولاً و فروعاً انشائاً یا نقلاً و اوهلاً چیزی طبع کنند قبلاً بوزارت معارف مراجعه نمایند تا بوسیله ناظر شرعیات که خبریوت او بتوسط دو نفر مجتهد جامع الشرائط تصدیق شده باشد مذاقه شده پس از آن که عدم مضرة بودن آن بدین اسلام کتباً تصدیق شده طبع و نشر نمایند

ماده دوم — هرگاه یکی از مدیران جرائد یا ارباب مطابع یا دیگری از ماده فوق تخلف نموده باید مدعی العموم یا مدعی خصوصی قضیه را بناظر شرعیات قانونی یا مجتهد عادل مسلم رجوع نماید بعد از تصدیق بمضمر بودن آن بقرینت و ورقه مزبور جمع آوری و توقیف شده و نویسنده و طبع کننده مطابق قانون مطبوعات مجازات خواهند شد

ماده سوم — چون موادی که باسم جزای عرفی در غیاب مجلس شورای ملی مدون نشده مراحل قانونی را طی نکرده و قانونی نیست ندارد باید مواد مزبور در کتب مملکت ملغی شود تا قانونی که مخالف با موازین شرعیه نباشد تهیه و از تصویب مجلس شورای ملی میگردد

رئیس آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده — بنده درست نفهمیدم دولت چه پیشنهاد کرده است اگر از طرف آقایان حجج اسلام این مطلب بمجلس پیشنهاد شده بود یک مطالبی نبوده که قابل انکار نباشد بدیهی است قانون اساسی مطبوعات برای جراید حدودی معین نموده و برای مطبوعات که بر خلاف دیانت چیزی بنویسند معاف نموده و حدودی برای آن ها قرار داده و قانون هیئت منصفه هم تقریباً از مجلس خواهد گذشت و در تحت همان قانون آن ها محاکمه و مجازات میشوند

این دو ماده اول و دوم یکی راجع بمجازات و یکی راجع بمعافیه آن ها بوده در صورتی که قانون هیئت منصفه از مجلس خواهد گذشت و طبقه معافیه آنها معین خواهد شد

مسئله نظریه آقایان حجج اسلام منظور

خواهد شد و البته آقایان علمائی که در مجلس و در کمیسیون دارند این مطالب را در نظر گرفته اند و اگر آن قانون نواقصی هم داشته باشد اصلاح مینماید و اما راجع بقانون اجرای عرفی چه وقت مجلس قانون جزای عرفی را تصویب کرده است که حالا دولت تقاضای لغو کردن آن را در درود فترت دولت بدون اجازه مجلس و برخلاف قانون یک موادی را در مملکت بموقع اجرا گذاشته اند

در صورتی که این قانون اصولاً ملغی است چیزی را که مجلس تصویب نکرده است چگونه حالا بیائید اجازه لغو کردنش را بدهد ؟ که این را نمی توانم بفهمم

رئیس آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل — بنده گمان می کنم این لایحه ابداً چیزی که بر خلاف جریان قانونی باشد ندارد بجهت اینکه یکی از مسائل اصل بیستم قانون مقدس اساسی است اصل بیستم لوائح مضرة بدیانت اسلام موضوعاً خارج می کند و تصریح می کند که لوائح و مطبوعات و کتب ضاله و مضرة نباید در مملکت منتشر شود و کسی حق انتشار آن را ندارد و اساساً از موضوع محاکمه مطبوعات خارج است و شبهه هم ندارد

قانون اساسی اینجا است ملاحظه به فرمائید که کتب ضاله و مطبوعات مضرة از موضوع مطبوعاتی که منتشر می شود و بعد محاکمه می شود خارج است و هیچ ضروری هم ندارد که بر حسب تقاضای علماء اعلام دعوات بر کاتهم و توده متدینین که چندی است حقیقتاً از راه حس دیانت کوشش و فداکاری می کنند این پیشنهاد را که دولت کرده است مجلس تأیید و قبول کند چون ماده اول این پیشنهاد را قانون اساسی اصولاً خارج می کند ماده دوم راجع بمعافیه است اساساً خارج است و فقط مدعی العموم یا مدعی خصوصی تعقیب می کند و از ناظری که از طرف علمای اعلام معین می شود و تصدیق می خواهد که این مطالب مضر است یا نیست اگر صحیح بوده که منتشر می شود والا نباید منتشر شود و اگر منتشر شد بعد از انتشار جمع می شود و انتشار دهنده محاکمه و مجازات می شود اماماده سوم این ماده سوم این هم ضروری بجائی ندارد زیرا یک عملیاتی در مملکت جاری است و رسمیت ندارد و همه روزه در مجلس مذاکره میشود که مالیاتهای غیر قانونی که از تصویب مجلس نگذشته و در هر شهر بلدی مردم در فشار هستند رسمیت ندارد و همه روزه در

مجلس دادمی زینم معذالک می گویند قانون جزای عرفی هم بمقتضای دستورالعملی که یکی از افراد مجلس و نمایندگان این مملکت هستند اظهار برائت و تنفر از قانون جزای عرفی میکنند و حقیقتاً تذهیب آمیزی دانم که کسی باین مزخرفات قانون بگوید و البته این ماده ملغی است و رسمیت ندارد و همانطور که دولت پیشنهاد نموده باید ملغی شود از خراسان اطلاع رسیده است که علماء اعلام خراسان بمدعی العموم اظهار کرده اند که این مزخرفات جزای عرفی که عمل می کنید بشما رسماً اخطار می کنیم که عمل نکنید والا عدلیه را فلان و فلان می کنیم

بنده این فرمایش را صحیح میدانم تأیید می کنم فرمایش علماء اعلام و متدینین را و اظهار تنفر از اجرای قانون جزای عرفی میکنم

حائری زاده اجازه بفرمائید توضیحی عرض کنم معاون وزارت عدلیه — آقایان داخل در کلیات شدند در صورتی که در این لایحه که تقاضای فوریت شده برای این است که به کمیسیون برود و یک شور بشود رئیس — آقای معاون وزارت عدلیه تقاضای فوریت میکنند محمد هاشم میرزا بچه نوع؟

معاون وزارت عدلیه — ارجاع به کمیسیون بایک شور رئیس — با این ترتیب مخالفی نیست حائری زاده — بنده مخالفم رئیس — بفرمائید حائری زاده — بنده اصلاً دولت را صالح نمی دانم چنین لایحی تقدیم مجلس شورای ملی بنماید یک قسمت از این لایحه راجع بقانون اساسی است که جرائد و کتب ضلال طبع و منتشر نشود و هر کس طبع کند باید مجازات شود پس هر روز باید دولت بیاید و از مجلس اجازه بگیرد که فلان اصل قانون اساسی را اجرا نماید راست است علمای اعلام از دولت شکایت دارند که قانون اساسی را اجرا نمی کنند و باید دولت را تعقیب کرد که چرا قانون اساسی را بموقع اجرا نمی گذارد ولی دولت خودش چنین پیشنهادی بکند اصلاً غلط است و راجع بقانون جزای عرفی هم اصلاً رسمیت نداشته و قانون نبوده است که دولت اجرا می کرده و امروز آمده و می گوید مجلس آنرا لغو نمائید ما چگونه می توانیم فوریت آنرا تصویب کنیم دولت باید پیشنهاد خودش را پس بگیرد

رئیس راجع بقرینت دیگر مخالفی نیست (گفته شد . خیر)

رئیس . رأی می گیریم بقرینت که یک شور بشود ؛ آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس . تصویب شد . بکمال

حاج شیخ اسدالله . چون این لایحه دو سه قسمت است و هر ماده اش باید کمیسیون مربوطه خودش برود و بنده متعجبم که یک کدام کمیسیون باید مراجعه شود راجع بقانون جزای عرفی باید کمیسیون عدلیه برود و راجع ب سایر موادی نمی دانم یک کمیسیون باید مراجعه شود مگر اینکه یک از آقایان پیشنهاد کنند که بچه کمیسیون برود تا یک صورت قانونی و رسمی بپذیرد و الا اگر بدون رأی مجلس کمیسیون فرستاده شود بنظر بنده مطابق نظامنامه نیست

رئیس . آقای دستغیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب — بنده هم در تعقیب فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله عرض می کنم بدون این لایحه چند جزء دارد و ممکن است بعضی از آقایان تصور بفرمایند که بکمیسیون عدلیه مربوط است اما نه ارتباط تام یا بکمیسیون معارف مربوط است اما نه با ارتباط تام بنا براین بنده پیشنهاد می کنم یک کمیسیون شش نفری از شعب انتخاب شود و مذاکره رسیدگی کند که بقرینت از مجلس بگذرد رئیس . آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا — همانطوری که بعضی از آقایان فرموده اند ماده آخری مورد بحث نیست ولی مسئله راجع به جرایم و معافیه مستقیماً و مسلماً راجع به عدلیه است و مسئله دیگر که راجع بقانون اساسی است که مخالفی ندارد و اگر مخالفی پیدا کرد و محتاج بتفسیر شد باید بکمیسیون عدلیه مراجعه شود و غیر از کمیسیون عدلیه هیچ کمیسیون صلاحیت ندارد

رئیس — نسبت بکمیسیون عدلیه گمان می کنم چندان مخالفی نباشد حاج شیخ اسدالله . باید رأی گرفته شود .

رئیس . آقایانی که تصویب میکنند بکمیسیون عدلیه مراجعه شود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس . تصویب شد . ماده دهم قانون استخدام مطرح است

آقای مستشار السلطنه ماده مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند

ماده ۱۰ . متخصمین فنی از اتباع ایران که بموجب قرارداد های مخصوصه مدت معین اجیر می شوند جزو مستخدمین رسمی محسوب نخواهند شد

رئیس . آقای سهام السلطان (شرح ذیل قرائت شد)

(اجازه)

سهام السلطان . موافقم

رئیس . مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس — آقایانی که ماده دهم را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس . تصویب شد ماده یازدهم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ ترتیب استخدام و تعیین حق و مدت خدمت مستخدمین و مستشاران خارجی بموجب کتباتهای مصوبه مجلس شورای ملی خواهد بود

رئیس . آقای مستشار الملک (اجازه)

مستشار الملک . در این ماده بطور مرموز نوشته شده است که اسفند مستخدمین خارجی بموجب کتبات خواهد بود و حال آنکه بکمیسیون مستخدمین جزء از قبیل شوفر و غیره برای وزارتخانه لازم می شود که گمان نمی کنم اینجا محتاج بکنتراست باشد ممکن است خود وزارتخانه یک قرارداد مالی با آنها ببندد بنا براین خوب است یک تبصره در ذیل این ماده بنویسند و بفرمایند آنرا مستثنی نمایند

مخبر . شوفر و غیره که آقا فرمودند داخل در این مسئله نیست و اگر برای کار اداری بخواهند ناچارند کتبات نمایند می تواند بزرگ باشد می خواهد کوچک بزرگ باشد یا جوان شوفر و غیره جزء خدمات و درجات اداری نیست

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله . هرگاه یک نفر تبعه خارجی بیاید شرایط و نظامنامه و قوانین مملکتی باشند سفارتخانه خودش تقبل کند و مطابق قوانین مملکتی خودش را مستخدم مالی تصور کرد و مثل افراد ایرانی مطیع تمام قوانین معافیه و مجازات و غیره باشد

رئیس — رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مستشار الملک آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس — قابل توجه نشد رأی می گیریم بماده ۱۱ آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس . تصویب شد ماده دوازدهم مطرح است

(شرح آتی قرائت شد)

ماده دوازدهم — مأمورین که بهر اسم و رسم که سمت صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای سلالار معظم (شرح ذیل قرائت شد)

(اجازه)

این بنده تبصره ذیل را در ماده ۱۱ پیشنهاد مینمایم

تبصره . مستخدمین جزء ذیل از قبیل شوفر و غیره که برای هر یک از وزارتخانه ها لازم شود محتاج بکنتراست نبوده و بموجب قرارداد خود از وزارتخانه اجیر میشوند (مستشار الملک)

رئیس — خطاب به مستشار الملک توضیح بدهید

مستشار الملک . بنده عرایض خود را عرض کردم بازم محض تذکر عرض می کنم اگر بنا باشد اجزاء و مستخدمین جزء را هم کتبات کنند خیلی اسباب زحمت می شود چون الانهم معمول است که در وزارت خانه ها بعضی مستخدمین خارجی را اجیر می کنند از قبیل شوفر و غیره آنها ابداً محتاج بکنتراست نیستند این است که این تبصره را پیشنهاد مینمایم که بعد اسباب زحمت وزارتخانه ها نشود

سلیمان میرزا — اولاً مستخدمین جزء که ایشان میفرمایند و غیر شوفر بچیز دیگر هم مثال نزدند اگر مقصودشان از قبیل سربازان و پیشخدمت و فراس است که از این مستخدمین بقدر کافی داریم و محتاج باستخدام از خارجه نیستیم و آن قدر بی کار در این مملکت هستند که کفایت می کند و اگر مقصودشان ثبات و ضبط است از آنهم خیلی داریم و هیچوقت یک نفر ثبات آلمانی بکار ما نمی خورد چون باید تمام داترمان فارسی اداری بخواهند ناچارند کتبات نمایند و امثال شوفر را هم که ایشان فرمودند او مزدور است و عمله ایست که باو مزد می دهند و کار می کند خواه داخلی خواه خارجی بعلاوه در داخله بقدر کفایت شوفر هم داریم و محتاج بخارجی نیستیم و اگر مقصودشان مهندس و مستخدمین فنی است که آنها هم حتماً باید کتبات شوند و شک ندارد در این صورت نمی دانم اشکال بجای این ماده وارد است

رئیس — رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مستشار الملک آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس — قابل توجه نشد رأی می گیریم بماده ۱۱ آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس . تصویب شد ماده دوازدهم مطرح است

(شرح آتی قرائت شد)

ماده دوازدهم — مأمورین که بهر اسم و رسم که سمت صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای سلالار معظم (شرح ذیل قرائت شد)

مخبر . بنده يك اضافه عرض میکنم که نوشته شود عملیات سالیانه چون عملیات مجلس است و ده سال هم شامل می شود باین جهت جهت خوب است عملیات سالیانه نوشته شود سالار معظم — این جمله (یا در آتیه) که در اینجا نوشته شده بنظر بنده زیاده است و باید حذف شود و همان بقیه ماده وافی باین مطلب هست

مخبر — خواستیم هم مستخدمین فعلی و هم مستخدمین که بعد می آیند شامل بشود و همه مقاصد بگیرند

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده موافق هستم

رئیس . آقای رفعت الدوله حطور؟

رئیس . آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک . بنده يك اصلاح عبارتی لازم میدانم

در این ماده نوشته (مأمورین که بهر اسم و رسم ست صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای سلالار معظم (شرح ذیل قرائت شد)

(اجازه)

مخبر . بنده يك اضافه عرض میکنم که نوشته شود عملیات سالیانه چون عملیات مجلس است و ده سال هم شامل می شود باین جهت جهت خوب است عملیات سالیانه نوشته شود سالار معظم — این جمله (یا در آتیه) که در اینجا نوشته شده بنظر بنده زیاده است و باید حذف شود و همان بقیه ماده وافی باین مطلب هست

مخبر — خواستیم هم مستخدمین فعلی و هم مستخدمین که بعد می آیند شامل بشود و همه مقاصد بگیرند

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده موافق هستم

رئیس . آقای رفعت الدوله حطور؟

رئیس . آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک . بنده يك اصلاح عبارتی لازم میدانم

در این ماده نوشته (مأمورین که بهر اسم و رسم ست صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

(اجازه)

مخبر . بنده يك اضافه عرض میکنم که نوشته شود عملیات سالیانه چون عملیات مجلس است و ده سال هم شامل می شود باین جهت جهت خوب است عملیات سالیانه نوشته شود سالار معظم — این جمله (یا در آتیه) که در اینجا نوشته شده بنظر بنده زیاده است و باید حذف شود و همان بقیه ماده وافی باین مطلب هست

مخبر — خواستیم هم مستخدمین فعلی و هم مستخدمین که بعد می آیند شامل بشود و همه مقاصد بگیرند

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده موافق هستم

رئیس . آقای رفعت الدوله حطور؟

رئیس . آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک . بنده يك اصلاح عبارتی لازم میدانم

در این ماده نوشته (مأمورین که بهر اسم و رسم ست صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

(اجازه)

مخبر . بنده يك اضافه عرض میکنم که نوشته شود عملیات سالیانه چون عملیات مجلس است و ده سال هم شامل می شود باین جهت جهت خوب است عملیات سالیانه نوشته شود سالار معظم — این جمله (یا در آتیه) که در اینجا نوشته شده بنظر بنده زیاده است و باید حذف شود و همان بقیه ماده وافی باین مطلب هست

مخبر — خواستیم هم مستخدمین فعلی و هم مستخدمین که بعد می آیند شامل بشود و همه مقاصد بگیرند

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده موافق هستم

رئیس . آقای رفعت الدوله حطور؟

رئیس . آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک . بنده يك اصلاح عبارتی لازم میدانم

در این ماده نوشته (مأمورین که بهر اسم و رسم ست صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

(اجازه)

مخبر . بنده يك اضافه عرض میکنم که نوشته شود عملیات سالیانه چون عملیات مجلس است و ده سال هم شامل می شود باین جهت جهت خوب است عملیات سالیانه نوشته شود سالار معظم — این جمله (یا در آتیه) که در اینجا نوشته شده بنظر بنده زیاده است و باید حذف شود و همان بقیه ماده وافی باین مطلب هست

مخبر — خواستیم هم مستخدمین فعلی و هم مستخدمین که بعد می آیند شامل بشود و همه مقاصد بگیرند

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده موافق هستم

رئیس . آقای رفعت الدوله حطور؟

رئیس . آقای سدید الملک (اجازه)

سدید الملک . بنده يك اصلاح عبارتی لازم میدانم

در این ماده نوشته (مأمورین که بهر اسم و رسم ست صاحب جمعی داشته اند یا در آتیه باین سمت منصوب شوند مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال یا دو سال یا سه سال باشد شامل می شود برای اینکه ممکن است یکی دوره عملیاتش ششماه باشد و یکسال نباشد و یا دوامه باشد آنوقت این ماده شامل او نمی شود و بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مخبر مورد ندارد و فرمایش آقای سدید الملک هم پس از عرایض من بی مورد است

مخبر . این پیشنهادی که من کردم برای این است که فرضاً مأمور مالیه رفت و بیک نقطه سه سال چهار سال ماند و هیچ حساب هم نمی دهد لهذا این پیشنهاد برای این است که آخر سال حساب راحتاً بدهد و اگر مطلق بنویسیم دوره عملیات آنوقت می گوید هنوز پنج سال دیگر از عملیات

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده نمی دانم این پیشنهادی که آقای مخبر فرمودند از طرف کمیسیون بود یا عقیده شخصی خودشان بود اگر عقیده شخصی خودشان بود که بنده مخالف هستم و با اصل ماده موافقم باید بفرمایم ایشان رأی گرفته شود زیرا لفظ سالیانه لزومی ندارد و همان عملیات کافی است و چون هر قدر دوره عملیاتش باشد اهم از اینکه یکسال

در آخر سال نگویید هنوز دوره تصدی و عملیات من تمام نشده است
مخبر - آقای معاون عدلیه يك پیشنهاد می کنند آن بهتر است
رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - این ماده اگر شامل حال مأمورین حاضر ادارات هم بشود تولید اشکال می کند چون همه از اوضاع وزارت مالیه اطلاع داریم که تا امروز هیچ کس مفاسد حساب نداده اند خیلی کم صاحب جمعی است که مفاسد داشته باشد و عقیده بنده این است که در آخر این ماده اضافه شود وزارتخانه مربوطه هم باید در ظرف یکماه محاسبات را تفریغ نماید که طرف مقابل هم حساب خودش را تهیه کند والا ممکن است يك نفر در ظرف دو سال و سه سال حسابش حاضر باشد ولی رسیدگی نکنند و باو مفاسد بدهند.

رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بمقیده بنده اگر بعد از عملیات لفظ (سابقه) را زیاد کنیم هم نظر آقای مخبر تامین میشود و هم نظر سایر آقایان.

رئیس - آقای آصف الملك (اجازه)

آصف الملك - بنده اصلا دوره عملیات را زائد می دانم زیرا صاحب جمع هر وقت حسابش را پس بدهد طبقاً به او مفاسد می دهند خواه یکسال باشد خواه دو سال و تصور می کنم دوره عملیات لازم نباشد و خوب است نوشته شود مادام که صاحب جمع بوده مفاسد حساب خود را بگیرد

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده پیشنهاد کرده ام
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - عریض بنده گفته شد.

رئیس آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده يك توضیحی می خواهم که صاحب جمع چه کسی است ؟ چون بطوری که خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است يك وقتی شاهزاده محمد هاشم میرزا از وزیر مالیه سؤال کرد در ارجاع به يك رئیس مالیه و وزیر جواب دادند که آن رئیس مالیه صاحب جمع نبوده و بنده هنوز نفهمیده ام که معنای صاحب جمعی چیست آیا تحصیل دار است ؟ رئیس محاسبات است ؟ یا امین مالیه است ؟ صندوق دار است ؟ چیز است ؟ خوب است آقای مخبر و اعضاء محترم کمیسیون توضیح و شرح بدهند که مراد از صاحب جمع چیست ؟ وقتی صندوق دار مراجعه کند می گوید باری رئیس محاسبات

است رئیس محاسبات می گوید بان تحصیلدار است تحصیلدار می گوید بایک دیگر است و بالاخره معلوم نمی شود صاحب جمع کی است در سابق به پیشکار مالیه يك کتابچه از دفتر می دادند و میرفت مالیات را وصول می کرد و صاحب جمع بود ولی الان يك ترتیبی است که وقتی بگویند (صاحب جمع) يك مفهوم کلی است و مصداق خارجی ندارد تا معلوم بشود در این شانزده سال پول این مملکت کجا رفته ؟ اولاً این را معین نمایند ثانیاً اشخاصی که الان در وزارت مالیه هستند و تا کنون به آنها مفاسد نداده اند و مدتی است متصدی هستند تکلیف آنها چه چیز است و آیا باید باز متصدی باشند یا مطابق این قانون باید از الامتنصل بشوند تا وقتی که مفاسد بدهند ؟

مخبر - صاحب جمع کسی است که مالیه دولت را جمع کند بهر شکلی و در هر جا . در قانون محاسبات هم اشخاصی را صاحب جمع می گویند که چهار سال پنج سال مالیه دولت در دست آنها بوده است و این اشخاص مادامی که مفاسد حساب نداشته باشند از استخدام در ادارات دولتی ممنوع هستند
رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده با ماده موافق هستم.

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ (جمعی گفتند کافی است)
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (آقای مستشار السلطنه بشر ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شو کته این بنده پیشنهاد می نمایم این جزء از ماده دوازدهم این قسم نوشته شود (مادام که مفاسد حساب قانونی دوره تصدی خود را تحصیل ننموده اند الی آخر) (سدید الملك)

رئیس - آقای مخبر هم يك پیشنهادی کرده اند از طرف کمیسیون است ؟

مخبر - بلی قرائت شود (بشر آتی قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم بآخر جمله ذیل اضافه شود . و اگر دوره تصدی از يك سال تجاوز نماید باید مفاسد حساب سال قبل را مطابق قانون اخذ نماید.

(ابراهیم زنجانی)
پیشنهاد میکنم بآخر ماده ۱۲ اضافه شود .

وزارتخانه مربوطه هم باید در ظرف سه ماه محاسبه را تفریغ نماید (اقبال السلطان)
بنده پیشنهاد می کنم بجای (دوره عملیات) نوشته شود (مدت تصدی) (سید فاضل کاشانی)

بنده پیشنهاد می کنم (دوره عملیات) حذف شود.

بنده پیشنهاد می کنم - ماده ۱۲ این طور اصلاح شود (مادام که مفاسد حساب دوره عملیات مدت تصدی خود را تحصیل ننموده الی آخر) (ابراهیم قمی)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۱۲ به طریق ذیل مقرر شود . مأمورین که بهر اسم و رسم سمت صاحب جمعی داشته باشند باید مفاسد حساب قانونی عملیات خود را سال بسال تحصیل نمایند و الا از تصدی شغل مزبور ممنوع خواهند بود.

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۱۲ بعد از کلمه عملیات (سابقه) اضافه شود (فتح الدوله)

بنده پیشنهاد می کنم که تبصره ذیل بماده ۱۲ الحاق شود . مأمورین که در تاریخ هروع با اجرای این قانون سمت صاحب جمعی دارند و سابقاً دارای این سمت بوده و در آن تاریخ شغل دیگری دارند تا شش ماه پس از اجرای قانون حاضر باید مفاسد حساب دوره تصدی سابق خود را بدست آورند و الا از شغل خود منفصل خواهند بود (هلی اکبر داور)

رئیس - آقای سدید الملك (اجازه)

فتح الدوله - چون حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا تقاضا کردند که تمام پیشنهاد کنندگان پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و باده اصلی رای گرفته شود و گمان می کنم همه آقایان هم موافق باشند لذا بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی قرائت میشود (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)
رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (شرح آتی قرائت شد)
رئیس - این پیشنهاد هم مثل پیشنهاد آقای سدید الملك است . آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - اگر چه لفظی را که آقای سدید الملك پیشنهاد کردند و آقای مخبر هم قبول کردند بپیشنهاد بنده فرقی ندارد و مقصود واحد است ولی مدت تصدی که بنده پیشنهاد کردم بهتر است از دوره تصدی که آقای سدید الملك پیشنهاد کرده اند.

(پیشنهاد آقای جلیل الملك مجدداً قرائت شد)
رئیس - آقای جلیل الملك (اجازه)
جلیل الملك - بنده تصور میکنم

همان مفاسد حساب قانونی خود را در این مدت کافی باشد برای اینکه مفاسد حساب لابد برای دوره تصدی است و دیگر در تصدی را نوشتن زائد است
رئیس - آقای سلیمان میرزا

سلیمان میرزا - تصور میکنم اگر همه آقایان پیشنهادات خود را مسترد بدارند بهتر باشد و گمان می کنم ماده همان حال اولیه خودش جامع است و اگر برای سالیانه اشکالی شده است قانون انتخابات عمومی و بودجه و حساب مالیه مملکت تمام مقید سال بسال است و در هر جا این طور معمول است و اگر آقایان موافقت بفرمایند تمام پیشنهادات را مسترد بدارند و ماده بحال اولیه خودش باقی بماند و رای گرفته شود بهتر است

آقا سید فاضل - بنده مستر می کنم .

رئیس - پیشنهاد آقای جلیل الملك مطرح بود باید رای بگیریم
آقایانی که پیشنهاد ایشان را قایل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای فتح الدوله

(اجازه)

شاهزاده سلیمان میرزا تقاضا کردند که تمام پیشنهاد کنندگان پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و باده اصلی رای گرفته شود و گمان می کنم همه آقایان هم موافق باشند لذا بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی قرائت میشود (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)
رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (شرح آتی قرائت شد)
رئیس - این پیشنهاد هم مثل پیشنهاد آقای سدید الملك است . آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - گمان میکنم این ماده اصلاح بیارتی لازم دارد و خوب بجای (مدت عملیات) (مدت تصدی) نوشته شود .

رئیس - رای می گیریم بقبالیه بودن پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی

آقایانی که پیشنهاد ایشان را قایل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای تدین مطرح است
آقای تدین (اجازه)

تدین . پیش نهاد بنده راجع بدو قسمت این ماده است اولاً راجع باین عبارت است (یاد آتی به باین سمت منصوب شوند) این جمله بمقیده بنده زائد است ولی اگر این عبارت را پیش نهاد کرده است بواسطه عبارت قبل بوده است زیرا عبارت قبل طوری نوشته شده است که اگر آنرا قبول کنیم این جمله هم لازم است ولی اگر آن عبارت را تغییر بدهیم این جمله بدهم ممکن است تغییر بکنند زیرا عبارت ماده اینطور نوشته شده است مأمورین که بهر اسم و رسم سمت صاحب جمعی داشته اند باید باین سمت منصوب شوند ولی اگر جمله (سمت صاحب جمعی داشته اند) تبدیل شود باین (سمت صاحب جمعی داشته باشند) آنوقت شامل گذشته و حال و استقبالی خواهند شد .

يك نفر از نمایندگان گمان . شامل نی شود .

تدین . چرا شامل می شود . اما قسمت اخیر ماده که نوشته شده است (مادام که مفاسد حساب قانونی دوره عملیات خود را تحصیل ننموده اند از رجوع هر شغلی ممنوع خواهند بود) برای اینست که آن صاحب جمع مجبور باشد مفاسد حساب خودش را از وزارت مالیه بگیرد و اگر مفاسد خود را بگیرد بعد از این شغلی باوداده نمی شود در اینجا مذاکراتی راجع بکلمه سالیانه شد و آقایان اظهاراتی کردند و با اضافه آن کلمه مغایر بودند و اظهار می نمودند مدت تصدی او هر چه شد سه سال یا چهار سال در آخر دوره تصدی بحساب او رسیدگی می کنند و به او مفاسد حساب می دهند بنده باین ترتیب مغایر زیرا در دورهای سابق حتی در دوره استبداد هم اینطور معمول بود اشخاصی که مأمور جمع آوری مالیات بودند سال بسال بایستی خودشان را تصفیه کنند و مقاصد بگیرند و هیچوقت ۳ سال چهار سال حساب آنها روی هم انبار نمی شود در دوره مشروطه این عمل بر عکس دوره استبداد بوده است . مثلاً يك نفر مأمور مالیه می شود بمحل مأموریت میرود چندین سال متصدی جمع آوری مالیات می شود و بعد در آخر مدت دوره تصدیش ممکن است تقاضای مفاسد حساب بکند و ممکن است نکند این است که بنده عقیده دارم بایستی صاحب جمع را ملزم کرد که اقلاً سال بسال مفاسد حساب خود را دریافت کند تا مجبور باشد در آخر سال حساب خودش را با وزارت مربوطه تصفیه کند و الا چندین سال روی هم گذاردن که بعد شاید بحساب او رسیدگی کنند یا نکنند همین طریق امروز را تولید خواهد نمود و ممکن است وسائلی برای خود تهیه کند که مفاسد حسابی هم در کار نباشد و مالیه مملکت حیو و میل شود بنابراین

عقیده دارم که در این قانون باید قید شود اشخاصی که متصدی جمع آوری مالیات هستند مکلف باشند که سال بسال حساب خودشان را با وزارتخانه مربوطه تصفیه و مقاصد حساب دریافت نمایند و اگر این کار را نکرد از تصدی شغل صاحب جمعی ممنوع باشد که هم رعایت مجازات درباره متخلف شده و هم اینکه سال بسال بحساب آنها رسیدگی شده باشد و مثل وضعیت امروز نباشد که نه صورتهای جزء در مالیه باشند و نه مفاسد حسابی و بنده این عبارت اخیر را اینطور عرض کردم که در همین حال هم بپیشنهاد آقای اقبال السلطان موافقم که از طرفی باید وزارت مالیه را مکلف نمود در صورتی که مأمور جمع آوری مالیات تقاضای مفاسد حسابی بکنند وزارت مالیه هم آنرا بدفع الوقت نگذارند و مفاسد حساب او را پس از رسیدگی بحساب او بدهد .

رئیس - آقای داور عضو کمیسیون هستند ؟

میرزا علی اکبر خان داور خیر
رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - عقیده بنده این است که اگر ترتیب اداره مرتب باشد باید صاحب جمع مطابق ترتیبات اداره صورت حساب خودش را ماه بماه یا سه ماه بماه بدهد و این ترتیبات در ادارات هم جاری بوده است منتهی حالا چون بازخواستی در کار نیست این است که در فرستادن صورت حساب ها تاخیر میشود لیکن صاحب جمع باید ترتیبی که هر وزارتخانه معین میکنند ماهیانه یا سه ماه بماه یا سالیانه صورت حساب خودش را بفرستد و هر ایرادی هم که وزارتخانه دارد باید صاحب جمع رفع کند و مقاصد را هم باوداده شود مقصود از این ماده که نوشته شده است این بود که بعضی اشخاص که از سابق داخل در کار بوده اند و صورت حساب خود را نداده و مفاسد هم نگرفته اند بایستی تا موقعی که حساب خود را نفرستاده اند شغل ثانوی به آنها رجوع نشود نظر کمیسیون در واقع ممنوع کردن از ارجاع شغل ثانوی است قبل از اینکه مقاصد تحصیل نمایند در این صورت باید کاری کرد که ادارات مرتب و منظم باشد که صاحبان جمع صورت حساب خودشان را مرتب بفرستند دیگر اینکه همان دوره عملیات کافی است و لازم نیست دوره تصدی این ماده این بود که صاحبان جمع تا مفاسد نداشته باشند از ارجاع شغل ثانوی محروم باشند تا موقعی که در اداره خدمت میکنند مفاسد حسابشان همان صورتهائی است که برای وزارتخانه میفرستند ولی وقتی که از شغل معزول شدند بایستی مفاسد حساب دوره

عملیات خود را بگیرند بنابراین بمقیده بنده تمام مقاصد را که ما داریم این ماده میسراند

رئیس - رای میگیریم بپیشنهاد آقای تدین آقایانی که این پیشنهاد را قایل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای اقبال السلطان قرائت میشود (مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - شاهزاده سلیمان میرزا تقاضا کردند پیشنهاد کنندگان پیشنهاد را پس بگیرند پیشنهاد سایر آقایان اصلاح عبارتی بود ولی پیشنهاد بنده در اصل مطلب بود باین جهت استرداد نکردم و در اصل ماده هم اعتراض ندارم و با پیشنهاد آقای تدین هم رد شده معنایش یکی است اگر ادارات و وزارتخانه ها مرتب بود صاحب جمع بایستی اول ماه یا سه ماه حساب خودش را بفرستد و در آخر هر ماه هم مفاسد حساب باوداده شود و در آخر سال هم مفاسد سالیانه باو بدهند و هر وقت هم از او حساب بخواهند در عرض پنج دقیقه حساب خود را توضیح بدهد مثل اینکه در کمک در عرض ده دقیقه محاسبات ردوبدل میشود ولی عجلتاً میدانید که وزارت مالیه در کمال بی ترتیبی است و مفاسد هم نمی دهند من الان سراغ دارم اداره محاسبات تقریباً دوازده ماه است که به يك محاسبه رسیدگی می کند و هنوز حساب آن بجائی نرسیده است و تازه اول رسیدگی بحساب است و نمیدانند از کجای حساب شروع بکنند بنابراین مطابق این ماده بهر کسی که نمی خواهند کار بدهند می گویند حساب خود را نداده است باین جهت پیشنهاد کردم که وزارت مالیه بایستی در ظرف مدت یکماه مفاسد با شخص بدهد ولی آنچه از میل آقایان فهمیده ام این است که آقایان مایل هستند مدت را زیادتر قرار بدهند و بنده حاضر پیشنهاد خود را این طور اصلاح کنم که در ظرف سه ماه محاسبه را تفریغ و مفاسد حساب بدهند

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - عقیده بنده این است که پیشنهاد حضرت والا در این جا موقع نداشته باشد و بایستی در قانون مالیه یا قانون محاسبات عمومی نوشته شود
رئیس - رای می گیریم بپیشنهاد آقای اقبال السلطان باینکه مدت سه ماه آقایانی که این پیشنهاد را قایل توجه می دانند قیام فرمایند

رئیس - قابل توجه نشد آقای مخبر

پیشنهاد خود را پس می گیرند ؟

مخبر - بلی فقط لفظ عملیات به تصدی تبدیل میشود

رئیس - قابل توجه نشد آقای مخبر

پیشنهاد خود را پس می گیرند ؟

مخبر - بلی فقط لفظ عملیات به تصدی تبدیل میشود

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور مطرح است

(بعضی از نمایندگان -)
بایستی بین ماده رای گرفته شود)
رئیس - رای می گیریم بین ماده آقایانی که ماده دوازده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد چند دقیقه تنفس داده می شود
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - ماده سیزدهم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۲ هیچ مستخدمی شغل تحویل داری و تحصیل داری نقدی و جنسی دولت را عهده دار نخواهد شد مگر اینکه قبلاً وجه الضمانه یا ضامن معتبری بوزارتخانه مربوط داده باشد

رئیس - آقای دست غیب - گمان می کنم بعضی از آقایان در فرمایشاتشان یک عبارت را فرمودند که بنظر صحیح می آید بنده هم عرض میکنم این قانون اگر باین معنی از مجلس بگذرد بقانون معروفیت بیشتر شبیه است تا بقانون استخدام برای خاطر این که ماده سیزده یک عده مردم امین را از حق استخدام محروم می کند زیرا ممکن است یک نفر آدم پیدا شود که حقیقتاً و واقعاً امین باشد اما ضامن نداشته باشد در این صورت نباید باو کار داد ؟ قانون گذار بایستی تمام اطراف قانون و مقررات آن را دقت کند آنوقت قانون وضع کند نه اینکه یک طوری قانون وضع کند که یک عده از حق استخدام محروم شوند . ممکن است یک آدمی باشد که طرف اطرافیان یکمده اشخاص باشد ولیکن آن عده نظر باین که کاسب هستند یا تاجر هستند یا می ترسند ضمانت نمایند خاصه آنکه مرجعش هم دولت باشد . ماده دوازدهم را که آقایان ملاحظه فرموده اند می گویند اگر کسی یکسال درست خدمت کرد و صحت هملش معلوم شد و حساب سالانه خود را داد و مفاسد دریافت نمود آنوقت می تواند شغل قبول نماید با گذشتن ماده دوازدهم دیگر ماده سیزدهم منطق ندارد و همچنین در چند ماده قبل یک ماده تصویب شد که مستخدمین باید معروف بفساد عقیده و اخلاق نباشند معلوم میشود آقایان عدم دیانت را جزء فساد اخلاق نمی دانند والا کسی که معروف بفساد اخلاق شد اصلاً از دخول در ادارات محروم است و چیزی که در اسلام اهمیتش علم و علا بیشتر است مسئله دیانت است در صورتی که عدم محکومیت بفساد عقیده را شرط استخدام قرار داده اند دیگر در اینجا ضامن لازم ندارد برای

این که مسلمان است دیانت دارد دیگر لازم نیست یک ضامن هم بدهد . فرض کنید یک آدمی که حقیقتاً حساب را خوب میداند و امین هم هست و تازه از خارجه وارد شده است و کسی او را نمی شناسد که ضمانت او را بنماید اگر بخواهد شغل دولتی قبول نماید حتماً باید ضامن بدهد این است که بنده عرض می کنم با گذشتن مواد قبل و ماده دوازده ماده سیزدهم منطق ندارد و یک اشخاص امین واقعی را از حق استخدام محروم می کند باین جهت است که بنده با این ماده مخالفم

مخبر - این ماده اشخاص را از حق استخدام محروم نمی کند . شغل منحصر به تحویل داری یا تحصیل داری نیست خیلی کارهای دیگری هم هست ولی مالیه دولت را نمی شود بکسی داد مگر اینکه ضامن یا اعتبار بدهد و آن هم ترتیبی دارد مثلاً فلان تحصیل دار تا فلان مقدار می تواند مالیه را درست داشته باشد همین که بقلان مقدار رسید بایستی بآنک یا مرکز تحویل بدهد و با اندازه آن مقداری که مأذون است درست داشته باشد و بهمان اندازه ضامن می گیرند . هیچ وقت یک کرور پول بیش یک پیشکار نمی گذارند که باید هزار بازی در بیاورد بلکه یک میزان وحشی دارد و از آن مقدار که زیادت شد بایستی بپاهران بفرستد یا بآنک بدهد و برای آن مقداری که بیش آنهاست ضامن می گیرند و همه لس هم ضامن اشخاص امین می شوند وجه الضمانه هم زیادت می گیرند مثلاً تا پنجاه تومان ممکن است درست او باشد از او حق الضمانه پنجاه تومان می گیرند اگر یا نقد تومان درست او هست یا نقد تومان حق الضمانه می گیرند

رئیس - آقای سهام السلطان **(اجازه)**
سهام السلطان - بنده موافقم .
رئیس - آقای امین التجار **(اجازه)**

حاج امین التجار - بنده با ماده موافقم لیکن می خواهم از آقای مخبر سؤال کنم این ماده شامل تحویل داری های قبلی وزارتخانه هم می شود یا خیر ؟ زیرا که این قانون برای بعد هاست و امروزه تحویل داری های وزارتخانه ها نه ضامن داده اند و نه وجه الضمانه .

مخبر - بعد از گذشتن این قانون همین که بموقع اجرا گذاشته شد شامل هر کس که تحویل دار است می شود
رئیس - آقای نصرت الدوله **(اجازه)**
نصرت الدوله - موافقم .
رئیس - آقای رفعت الدوله **(اجازه)**
رفعت الدوله - بنده هم موافقم

رئیس - آقای عماد السلطنه **(اجازه)**
بنده در آقایان می بینم اگر عریاضی هم عرض کنم می دانم بی فائده است و این ماده خواهد گذشت ولی بعد از گذشتن این ماده دوچار یک معضوری خواهیم شد و دیگر یک تحویل دار یا تحصیل دار و یک امین مالیه پیدا نخواهد شد آقای زنجانی فرمودند اشخاص امین و درست کار را مردم ضامن می شوند بنده ممکن است چند نفر اشخاص امین و درستکار را نشان می دهم که تمام نمایندگان با اتفاق آراء صحت عمل و دیانت و درست کاری آنها را تصدیق کنند ولی یک نفر از آقایان بقدر عذر دارائی که اودارد ضمانت او را نکنند می فرمایند یک کسی که پنجاه تومان در دست او باشد بایستی پنجاه تومان وجه الضمانه بدهد این مطلب صحیح است ولی یک تحصیل داری که برای جمع آوری مالیه خراسان می فرستند چطور می تواند صد هزار تومان یا دیوشت هزار تومان ضمانت بدهد و بعد از گذشتن این قانون وزارتخانه دوچار اشکالاتی خواهد شد و بالاخره کار وزارت مالیه محروم میشود بین پنج شش نفر تجار درجه اول

رئیس - آقای سلیمان میرزا **(اجازه)**
سلیمان میرزا - اگر این ماده در این قانون نباشد سالی چندین کرور ریالیون باین مملکت خسارت وارد می آید و این از بهترین موادی است که برای این قانون می توان شمرده فرضاً بنده یکی از مأمورین مالیه اگر مفاسد حساب از بنده خواستند و بنده مقروض بودم و نداشتم از کجا بگیرم ؟ مثل خیلی اشخاص که مقروض هستند و مالیه دولت را تفریط کرده اند و از بین رفته الیه مالیه دولت را نیابستی بدست کسی داد که آنرا حیف و میل کند و بعقیده بنده اگر در این ماده یک قدری بیشتر دقت می شد خیلی بهتر بود زیرا ما بایستی ترتیبات و حساب پول را بهتر اداره کنیم تا سایر دوا بر را بتوانیم بهتر اداره کنیم . آقای می فرمایند بعد از اینکه این ماده بگذرد دیگر مأمور مالیه نخواهیم داشت بلی مأمورین مالیه نخواهیم داشت که مالیه دولت را حیف و میل کنند و بنده هم تصدیق می کنم که آن قبیل مأمورین را نخواهیم داشت بنابراین بعقیده بنده بایستی در این ماده بیش از این هم دقت شود که در مملکت روح واقعی آن که مالیه است محفوظ باشد . آقای دست غیب فرمودند یک کاسب بی چاره تاجر فقیر که در خارج تحصیل کرده است آمده در این مملکت ما می خواهیم او را مظلوم قرار بدهیم خیر آقا ما همچو خیالی نداریم می خواهیم دولت را که تا حال مظلوم بوده است از دست این ظالمین خلاص کنیم زیرا هر

بدبختی که بسریک مملکت بیاید بواسطه فقدان مالیه آن مملکت است زیرا اگر مالیه آن مرتب و منظم باشد رو بترقی و سعادت میرود بنابراین آن کاسب یا تاجر خیلی امین مجبور نیست که مأمور مالیه بشود و اگر هم تاجر است که تجارت بهتر است تا استخدام دولت و اگر کاسب است که بکار خودش مشغول باشد و لازم نیست در اداره دولتی مستخدم بشود همان کسب خودش را بکند بهتر است .

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است ؟
(جمعی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رای می گیریم بکافی بودن مذاکرات . آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .
(اکثر نمایندگان قیام فرمودند)
رئیس - معلوم می شود کافی است پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود .

(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد می کنم بجای جمله آخر که نوشته (مربوطه داده باشد) نوشته شود (مربوطه بدهد)
رئیس - آقای آقا سید یعقوب **(اجازه)**

آقا سید یعقوب - بنده اصلاح عبارتی را که خود آقای مخبر هم قبول دارند پیشنهاد کردم که عبارت ماده اینطور نوشته شود که ضامن معتبر بوزارتخانه مربوطه بدهد .

مخبر - مقصود آقای آقا سید یعقوب این است که صاحب جمع ضامن بدهد آنوقت حکمش را بگیرد .
رئیس - پیشنهاد آقای حاج امین التجار و آقا میرزا سید حسن قرائت می شود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم که در ذیل ماده ۱۳ بطور تبصره نوشته شود : ماده ۱۳ شامل تحویل دار و تحصیل دارهای فعلی ادارات هم خواهد بود .
امین التجار - میرزا سید حسن کاشانی
رئیس - آقای امین التجار **(اجازه)**
حاج امین التجار - بنده می خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که این ماده شامل تحویل دارهای فعلی هم می شود یا خیر ؟
مخبر - بنده مقصودشان را نفهمیدم اینکه فرمودند این قانون شامل مستخدمین فعلی هم خواهد بود یا خیر اگر مقصودشان این است که از آنها هم وجه الضمانه بگیرند که قانون هنوز نگذاشته که شامل حال آنها هم بشود البته هر وقت بموقع اجرا گذاشته شد بهر کس مأموریت می دهند از او ضامن

معتبر یا وجه الضمانه می گیرند .
رئیس - آقای حاج امین التجار **(اجازه)**
حاج امین التجار - این قانون همین طور که ملاحظه می فرمائید برای داوطلبان نوشته شده البته بعد ها اگر تحصیل داری بخواهد داخل خدمت بشود بایستی وجه الضمانه یا ضامن معتبر بدهد ولی تحویل داران فعلی و آنهایی که صاحب جمع هستند و آنوقت هم سر کار خواهند بود از آنها هم وجه الضمانه یا ضامن معتبر خواهند گرفت یا نه ؟

رئیس - آقای سهام السلطان **(اجازه)**
سهام السلطان - چنانکه آقای مخبر اظهار فرمودند از روزی که قانون بموقع اجرا گذاشته شود از همان روز مواد این قانون بموقع اجرا گذارده می شود و اگر یک نفر بخواهد تحویل دار یا تحصیل دار شود باید وجه الضمانه یا ضامن بدهد و اگر ندهد منصرف می شود و نسبت سابق و لاحق همه علی السویه است

رئیس - آقای سلیمان میرزا **(اجازه)**
سلیمان میرزا - عرضی ندارم .
رئیس - آقای حاج امین التجار **(اجازه)**
حاج امین التجار - بنده قانع خدمت و پیشنهاد خود را پس می گیرم .
رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا علی محمد قرائت می شود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که صندوقدار و خزانه دار هم از این قانون دولت آبادی

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد **(اجازه)**
لفظ تحویل دار و تحصیل دار در مملکت ما یک اصطلاح مخصوصی شده است از برای مستخدمین درجه چهارم و پنجم . در این جا لازم است کلمه صندوقدار و خزانه دار را هم اضافه کنند زیرا کلمه تحویل دار و تحصیل دار شامل آنها نمی شود اگر بخواهیم شامل همه بشود باید کلمه صندوقدار و خزانه دار را هم اضافه کنند تا شامل کلیه اشخاصی که متصدی مالیه دولت هستند بشود والا قانون را فقط برای تحویل دار و تحصیل دار وضع کردن صحیح نیست یعنی آنهایی که یا نقد تومان مالیه مملکت در دستشان است ضمانت بدهند و آنهایی که یک کرور و دو کرور مالیه دولت در دستشان است ضمانت و تضمین ندهند و اگر مالیه دولت را حیف و میل کردند و هیچگونه مسئولیتی نداشته باشند باین جهت پیشنهاد کردم این دو کلمه هم اضافه شود .

مخبر - تحویل دار و تحصیل دار کسی است که پول را باو تحویل می دهند حالا صندوقدار یا خزانه دار هم اگر باشند همان حال را دارد .
رئیس - رای می گیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای دولت آبادی .
آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای رکن الملک قرائت می شود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم که ذیل ماده ۱۳ اینطور نوشته شود : مگر این که قبلاً وجه الضمانه یا ضامن معتبری (که ترتیب آن موافق نظامنامه مخصوص وزارتخانه معین می شود) بوزارتخانه مربوطه داده باشد .
رئیس - آقای رکن الملک **(اجازه)**

رکن الملک - چون عبارت : وجه الضمانه یا ضامن معتبر داده باشد بنظر قدری مبهم است زیرا معلوم نیست چقدر وجه ترتیب وجه الضمانه یا ضامن می گیرند این است که بنده پیشنهاد کردم مطابق نظامنامه علیجده وجه الضمانه دریافت شود .
مخبر - در قانون بیش از این نوشته نمی شود البته وزارت مالیه باید یا ضامن بگیرد و یا وجه الضمانه ترتیب گرفتن آن در نظامنامه وزارت مالیه است و در قانون نمی شود مواد راجع به نظامنامه را قید کرد .

رئیس - رای می گیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای رکن الملک آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
(پیشنهاد دیگری از طرف آقای آصف الممالک بشرح آتی قرائت شد)
چون اولاً تحصیل داری و تحویل داری منحصر بر کر نیست و ثانیاً در مواد قبل اسم ادارات دولتی هم برده شده لهذا عبارت (بوزارتخانه مربوطه داده باشد) کافی نیست و پیشنهاد می کنم بعد از وزارتخانه اداره علاوه شود که شامل مرکز و ولایات هر دو باشد و هم شامل ادارات دولتی گردد
محمد حسین آصف الممالک
رئیس - آقای آصف الممالک **(اجازه)**

آصف الممالک - در این جا می نویسد وجه الضمانه یا ضامن معتبر بوزارتخانه بدهد چون همه مأمورین در مرکز نیستند و در ولایات هم هستند البته در آنجا ها دیگر نمی توانند بوزارتخانه ضمانت بدهند لابد باید بآداره مربوطه بدهند و علاوه در مواد

قبل هم کلمه ادارات نوشته شده باین ملاحظه پیشنهاد کردم بعد از وزارتخانه کلمه ادارات نوشته شود .
مخبر - لفظ اداره را هم اضافه کردن ضرر ندارد و چون ممکن است در بدیهه هم تحویل دار باشد .
رئیس - پیشنهاد آقای داور قرائت می شود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)
این بنده پیشنهاد می کنم در آخر ماده ۱۳ عبارت ذیل اضافه شود : میزان وجه الضمانه و شرایط ضامن را نظامنامه هر وزارتخانه معین خواهد کرد .
مخبر - این جمله هم عیب ندارد اضافه شود .

رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقایان عماد السلطنه اصفهانی و حاج شیخ اسدالله .
(بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد می نمایم تبصره ذیل بر ماده ۱۳ اضافه شود : میزان وجه الضمانه و ترتیب تعیین ضامن را نظامنامه داخلی اداره معین خواهد کرد .
رئیس - پیشنهاد آقای دست غیب هم قرائت می شود .
(ترتیب ذیل خوانده شد)
مقام محترم ریاست : بنده پیشنهاد می کنم علاوه بر ماده ۱۳ با سابقه صحت عمل و درست کاری .
رئیس - آقای دست غیب **(اجازه)**

حاج سید محمد باقر دست غیب - مفاد فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا این بود که مالیه دولت نباید تفریط شود بنده هم تصدیق می کنم که مالیه مملکت نباید تفریط شود ولی اینکه فرمودند اگر تاجر است مشغول تجارت خودش باشد بهتر است تا اینکه مستخدم دولت بشود .
عرض بنده تجاری که مشغول تجارت باشد نبود مقصود من تاجری بود که سرمایه اش در راه تلف شده است و از راه ناچاری می خواهد باید مستخدم دولت بشود (همه بین نمایندگان) اجازه بفرمائید اجازه بفرمائید . فقط جلوگیری از تفریط شدن مالیه دولت بضامن تنهائست ممکن است یک نفر در ادارات خدمت کرده و صحت هملش هم ثابت شده است این شخص می خواهد تحویل دار بشود اگر باز هم محتاج بآدارن ضامن باشد خیلی دور از انصاف است علاوه بر آن تحویل داری نسبت بآن کسی که پول دشاهی و بیکتران پهلوی او جمع میشود تنهائست نمی کنند مابین مالیه ولایات هم اطلاق تحویل داری می شود پس اگر این طور است باید از تحویل دار جزء و رئیس معاسبات و رئیس صندوق و پیشکار مالیه و وزیر مالیه ضامن

قبیلند و از هر مأموری که تحویل داری ولو بدلات و التزام براو اطلاق می شود باید ضامن بخواهند پس حالا که آقایان نمایندگان این ماده را تصویب می کنند خوب است لاف صحت سابقه و درستی عمل را هم ضمیمه کنند که یک راه فراری برای آن بیچاره های فلک زده بی ضامن باقی بماند علاوه ضامنی که دولت در مملکت بیستند و تاحات یا بانک است یا تاجر معتبری . بیشتر توجه دولت در خصوص ضامن نسبت بتاجر معتبر است و تجارت معتبری هم که طرف تأمین دولت هستند از ضمانت می ترسند این است که بنده پیشنهاد می کنم عبارت صحت عمل هم اضافه شود تازه فراری برای آن بدبخت بیچاره بگذارند .

رئیس - رای می گیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای دست غیب آنهایی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

قبیلند و از هر مأموری که تحویل داری ولو بدلات و التزام براو اطلاق می شود باید ضامن بخواهند پس حالا که آقایان نمایندگان این ماده را تصویب می کنند خوب است لاف صحت سابقه و درستی عمل را هم ضمیمه کنند که یک راه فراری برای آن بیچاره های فلک زده بی ضامن باقی بماند علاوه ضامنی که دولت در مملکت بیستند و تاحات یا بانک است یا تاجر معتبری . بیشتر توجه دولت در خصوص ضامن نسبت بتاجر معتبر است و تجارت معتبری هم که طرف تأمین دولت هستند از ضمانت می ترسند این است که بنده پیشنهاد می کنم عبارت صحت عمل هم اضافه شود تازه فراری برای آن بدبخت بیچاره بگذارند .

رئیس - رای می گیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای دست غیب آنهایی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای آقا سید فاضل قرائت می شود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم لفظ تحویل داری و تحصیل داری نقدی و جنسی در ماده ۱۳ تبدیل شود بصاحب جمع
(سید فاضل کاشانی)
رئیس - آقای آقا سید فاضل **(اجازه)**
آقا سید فاضل - آقای آقا سید یعقوب یک بیاناتی فرمودند که مراد صاحب جمع نیست در صورتی که آقای وزیر مالیه در مجلس اظهار کردند پیش کاران مالیه صاحبان جمع هستند و در ماده قبل هم صاحبان جمع نوشته شده و بنده این طور می فهمم که صاحبان جمع شامل پیشکار مالیه و امین مالیه و تحصیل دار و تحویل دار هم خواهد بود ولی این ماده گرفتن وجه - الضمانه یا ضامن معتبر را بتحول دار و تحصیل دار تخصیص داده است . بنده نفهمیدم که مراد از صاحبان جمع پیشکاران مالیه و غیره هم هست یا اینکه فقط شامل تحصیل دار و تحویل دار می شود بنابراین بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۱۳ هم وجه الضمانه و جمع باشد اگر در آن ماده مقصود از صاحبان جمع تحویل دار و تحصیل دار است در اینجا هم مراد همانها خواهند بود

رئیس - رای می گیریم بقبایل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید فاضل آنهایی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای اقبال السلطان این طور قرائت شد . بنده پیشنهاد می کنم

رئیس - قابل توجه نشد
پیشنهاد آقای اقبال السلطان این طور قرائت شد . بنده پیشنهاد می کنم

بگرفتن ضامن فقط اکتفا شود .
(اقبال السلطان)
رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)
اقبال السلطان - چون در موضوع ماده سیزدهم آقایان بکفایت مذاکرات رأی دادند بنده ناچار شدم يك پيشنهادي تقديم كنم شايد بتوانم در اطراف آن پيشهاد چند كلمه بمرض آقایان برسانم شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند بی ترتیبی هایی که در وزارتخانه مخصوصاً دروزارت مالیه واقع شده است با این قيد ضامن با دادن وجه الضمانه از تفریط مالیه دولت جلوگیری کنند بنده از حضرت والا و آقایان استوال می كنم که مالیه دولت را بیشتر تعویل دارو تعصیل دار تفریط کرده است بامانوق آنها ؟ اگر بتمام عملیات این دو قسمت رسیدگی کنید می بینید تعویل دار و تعصیل دار نتوانسته اند يك ضرر عمده بدولت وارد بیاورند .
محمد هاشم میرزا - چرا مسبوق نیستید ؟
اقبال السلطان - مسبوق هستم و برای شما هم ثابت می كنم و شما نمی توانید تعصیل دار یا تعویل دار نشان بدهید که يك ضرر عمده بدولت زده باشد شايد يك تعویل داری سه چهار هزار تومان ضرر زده باشد از این موضوع می گذرد و بعد در این موضوع باهم مذاکره خواهیم کرد . اگر می خواهید مالیه دولت تفریط نشود باید از ابتداء شروع کنید تا انتهای رئیس گل و صاحب جمع کل بگیرد تا برسد بصاحب جمع جزء اگر اطمینان هست باید نسبت بهمه باشد و اگر نیست باید بهیچ کدام نباشد . از آن طرف وقتی هم بحملیات نگاه می كنیم می بینیم کدام مورد شبهه هستند در این صورت باید این تأمینات را برای آنها كرد نه برای تعویل دار و تعصیل داری که قوه ضرر زدن ندارد ولی بنده میدانم این کار عملی نیست برای این که اگر اینطور باشد باید از وزیر مالیه هم ضامن خواست در صورتی که از امین مالیه يك محل كوچكي هم معادل مالیات نقدی و جنسی آنها نی شود ضامن گرفت و این مطلب عملی نیست حتی بنده عرض می كنم که گرفتن ضامن از تعویل دار و تعصیل دار هم عملی نیست زیرا اگر رجوع کنید به تعویل دار كمرك کرمانشاه یا ولایات دیگر ملاحظه خواهید فرمود که در هر وز هایدات آنها به بیست و پنج هزار تومان میرسد و اگر از آن تعویل دار بخواهید برای هایدات يك روزه هم ضامن بگیرید ممكن نیست زیرا آن تعویل دار حق الضمانه بیست و پنج هزار تومان یا ضامن بیست و پنج هزار تومان از کجا بیاورد که اگر

بیست و پنج هزار تومان دولت را خورد اواز فهد بر آید . آنوقت کار تعویل داری چه خواهد شد پس جلوگیری از افراط و تفریط مالیه دولت بضامن نیست . فرض کنید که شما يك ضامن معتبر هم گرفتید فردا ضامن و تعویل دار و تعصیل دار هر سه رفتند منزل یکی از آقایان متحصن شدند و ادعای افلاس کردند آنوقت می شود پس بگرفتن ضامن نمی شود از افراط و تفریط مالیه دولت جلوگیری کرد و باید اداره مرتب باشد و وقتی اداره مرتب بود و صاحب جمع کل یا پیشکار مالیه روز بروز یا ماه بماه بحساب تعویل دار های جزء رسیدگی کرد امکان ندارد بتوانند يك شاهی از مالیه دولت تفریط كنند شما اصل را صحیح کنید وقتی که اصل صحیح شد و بحساب رسیدگی شد دیگر محتاج باین گفت و گوها نیست و بالاخره بنده عرض می كنم باین ترتیب این قانون عملی نیست و اگر مقصود این است طوری نوشته شود که در بعضی جاها صورت عملی پیدا کند و در بعضی جاها بآن عمل نشود مسئله دیگر این است که بنده عرض می كنم در رأی دادن بنده سیزدهم يك قدری دقت کنید والا يك مشكلاتی دچار خواهید شد باین ترتیب است هم از تفریط مالیه دولت جلوگیری نخواهد شد .
رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پيشهاد آقای اقبال السلطان آقایانی که این پيشهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند .
(همه قیامی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد . پيشهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پيشهاد می كنم تبصره ذیل بر ماده ۱۳ اضافه شود
میزان وجه الضمانه و ترتیب تعیین ضامن را نظامنامه داخلی اداره معین خواهد کرد . (هاد السلطنه)
(شیخ اسدالله)
رئیس - ماده سیزدهم بعد از اصلاح اینطور شده است
(آقای مستشار السلطنه باین مضمون قرائت نمودند)
هیچ مستخدمی شغل تعویل داری و تعصیل داری دولت را عهده دار نخواهد شد مگر اینکه قبلاً وجه الضمانه یا ضامن معتبری بوزارتخانه و اداره مربوطه بدهد . میزان دادن وجه الضمانه یا ضامن را نظامنامه هر وزارتخانه معین خواهد کرد
رئیس - رأی می گیریم بنده ۱۳
محمد هاشم میرزا - بنده يك استوالی داشتم .
رئیس - بفرمائید
محمد هاشم میرزا - وقتی مذاکره شد

آقای زنجانی كلمه تعصیل دار و تعویل دار را تعمیم دادند و حال اینکه در خارج تعویل دار یا تعصیل دار يك اصطلاحی است که يك مصداق معینی دارد . حالا بآن توضیحی که دادند رأی می گیرید یا بعبارت این ماده .
مغیر - در قانون خارجه هم تعویل دار کسی است که مالیه دولت در دست اوست آقا محاسب دیگر ضامن لازم ندارد زیرا او فقط بحساب رسیدگی می كند و ابدأ مالیه دولت در دست او نخواهد بود کسانی که مالیه دولت در دست آنها است آنها باید ضامن یا وجه الضمانه بدهند باین مطلب رأی بدهید .
رئیس - رأی می گیریم بنده ۱۳
بترتیبی که اصلاح و قرائت شد . آقایانی که تصویب می كنند قیام فرمایند (اكثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
(ماده چهاردهم بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده چهاردهم - كلیه مستخدمین بدون اجازه دولت از قبول نشان های خارجه ممنوع هستند .
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده اصولاً با این ماده موافقم ولی مغالطه از این جهت است که جای این ماده در این فصل نیست برای اینکه عنوان این فصل ورود بخدمت است و این موادی هم که تاکنون در اینجا اسم برده شده راجع بدوطلبان بوده است که می خواسته اند داخل در خدمت شوند و این ماده اصولاً مربوط باین فصل نیست و بعقیده بنده جای این ماده در فصل پنجم در ضمن مواد مخصوصه است .
مغیر - این نظریه را ما داشتیم و خواستیم این ماده را در فصل سوم بنویسیم ولی بعد از مذاکرات زیاد نتیجه این شد که این ماده در این فصل نوشته شود چون در این فصل يك قراردادهای بین مستخدمین و دولت نوشته شده است
بنا بر این جای این ماده هم در این جا است و خیلی هم لازم است چون بعضی از آقایان اظهار کردند که بعضی از اشخاص بدون هیچ گونه تصدی از دول خارجه نشان میگیرند
لذا بموجب این ماده باید رجوع بدولت خودشان نمایند و نشان بگیرند مقصود این است هر جا هم نوشته شود فرقی نخواهد داشت
رئیس آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - این قانون را که ملاحظه می فرمائید دارای پنج فصل است و ما بعد از آن که این ماده بدقت سنجیدیم

دیدیم غیر از این که در این فصل نوشته شود در جای دیگر گنجایش ندارد زیرا فصل دوم در طریقه ارتقاء رتبه است که در آن جا نمی شود نوشت
فصل سوم محاکمه و مجازات است در این جا هم نمی شود نوشت
فصل چهارم هم راجع بقواعد است و وظایف
فصل پنجم هم که مواد مخصوصه است اگر آقایان این مواد مخصوصه را بدقت ملاحظه كنند می بینند که این مواد يك مواد موقتی است یعنی بعد از مدتی این مواد از بین خواهد رفت و با اصطلاح فرانسه این مواد ترانزی توار است و اگر بخواهیم این كلمه را ترجمه كنیم باید استعاله ترجمه كنیم و اگر بخواهیم اوضاع امروزه را بیک ترتیب مرتبی بیرون بیاورند يك مشكلاتی پیدا می شود و ادارات خیلی هم می خورند باین جهت بعضی مواد موقتی نوشته می شود که ترتیب اولی را بدومی متصل كند
پس این مواد موقت است و بعد از چندی از درجه اعتبار لایمی افتد ولی این ماده چهاردهم از مواد اصلی است و حتماً باید همیشه مستخدمین دولت مقید باشند بنا بر این این فصل را برای نوشتن آن مناسب تر دیدم
حالا اگر آقایان در غیر از فصل پنجم که از میان خواهد رفت جای دیگری در نظر داشته باشند پيشهاد بفرمائید ولی این چیزی نیست که محتاج به رأی باشد بعد از رأی دادن به این ماده هم ممكن است در هر جایی که بنظر آقایان بهتر است نوشته شود
رئیس پيشهاد آقای حاج مغیر السلطنه قرائت میشود
این ماده را در فصل سوم بنویسیم ولی بعد از مذاکرات زیاد نتیجه این شد که این ماده در این فصل نوشته شود چون در این فصل يك قراردادهای بین مستخدمین و دولت نوشته شده است
بنا بر این جای این ماده هم در این جا است و خیلی هم لازم است چون بعضی از آقایان اظهار کردند که بعضی از اشخاص بدون هیچ گونه تصدی از دول خارجه نشان میگیرند
لذا بموجب این ماده باید رجوع بدولت خودشان نمایند و نشان بگیرند مقصود این است هر جا هم نوشته شود فرقی نخواهد داشت
رئیس آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - این قانون را که ملاحظه می فرمائید دارای پنج فصل است و ما بعد از آن که این ماده بدقت سنجیدیم

کرده اند ولی چون حکم بر اکثر است و اکثر هم از آن نشانها گرفته اند و ضروری هم از آنها متوجه نشده است باین جهت می بیند دیگر اینکه فرمودند در امریکا معمول نیست ما کارهای امریکا نداریم و در حال وقتی يك دولتی بدولت دیگر نشان می دهد معلوم می شود آثار دوستی و حق شناسی و صمیمیت بین آن دو دولت است حالا دولت امریکا بچه فلسفه این ترتیب را قبول نکرده است بنده نمی دانم شاید چون خودشان ندارند از دول دیگر هم نشانی نمی گیرند ولی ما که نشان داریم و بدول دیگر می دهیم باید آن دول هم بمانشان بدهند و لكن باید بگوئیم که هیچ دولتی بدون اجازه دولت ما حق ندارد مستخدمین ما نشان بدهند و این مقدار زیادی از آن مضرات را جلوگیری خواهد نمود اگر هم در آن به درضمن عمل يك مضرات جزئی پیدا شد مجلس انشاء الله همیشه باقی است و آن مضرات را اصلاح خواهد کرد فعلاً كهسیون باین اندازه اکتفا کرده است بسته برای آقایان است
حاج مغیر السلطنه - بنده يك توضیحی دارم
رئیس - توضیح نظامنامه ؟
حاج مغیر السلطنه - راجع باین جوابی که به بنده دادند
رئیس - مطابق نظامنامه مشكل است .
حاج مغیر السلطنه - خوب توضیح نمی دهم همین قدر می گویم آنهايي که با اجازه نشان گرفته اند مضراتشان بیشتر است و بدون اجازه دولت حالا هم نشان نمی دهند
رئیس - رأی می گیریم به قابل توجه بودن این پيشهاد
حاج مغیر السلطنه . بنده پس می گیریم
حاج شیخ اسدالله . بنده قبول می كنم و توضیح هم می دهم
رئیس - بفرمائید
حاج شیخ اسدالله . در این مطلب که اتباع ایران چكاری کرده اند و از دول خارجه نشان می گرفته اند کاری ندارم . آقا بایستی يك قدری تأمل كرد و ملاحظه كرد باین نشانهايي که گرفته اند و دیدید چه قدر سوء استفاده ها کرده اند اهالی هر مملکتی باید بر نشان دولت خودشان مفتخر باشند و ملاحظه بفرمائید به پيچیده چه اشخاصی بواسطه نشانهايي که گرفته اند چه استفاده های سوئی کرده اند که اگر بخواهیم اسم آنها را ببریم داخل در شخصیات می شویم و در اینجا هم داخل در شخصیات شدن خوب نیست چه ضرر دارد که ما يك قانونی وضع كنیم که ملت ایران مخصوصاً

مستخدمین آن حق گرفتن نشان از دول خارجه را نداشته باشند ولی البته دولت مجاز است اگر بخواهد بسایر دول نشان بدهد ضرری ندارد ولی مستخدمین داخلی وقتی يك خیانت ها می كنند می خواهند آنها را مجازات كنند متوسل می شوند بیک نشان های خارجه و باید مجلس شورای ملی از این قبیل سوء استفاده ها جلوگیری كند بنابراین چه ضرر دارد قانونی وضع شود که هیچ يك از مستخدمین ایران حق ندارند از دول خارجه نشان بگیرند بنده مخصوصاً این پيشهاد آقای حاج مغیر السلطنه را قبول می كنم که آقایان رد بكنند
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - اولاً بنده موافق عقیده شخصی و مسلکی خودم منكر این قبیل امتیازات هستم و خودم هم هیچ نوع نشانی ندارم و آرزو هم ندارم هیچ نوع نشانی بگیرم بنابراین داخل این مطلب که می شوم برای اینست که از ماده چهاردهم دفاع كنم .
اینكه صحبت می شود يك اشخاصی سابقاً بواسطه داشتن نشانهايي سوء استفاده کرده اند بنده كاملاً با این قسمت موافقم و همین طور هم شده است که اشخاصيكه باین مملکت خیانت کرده اند یا بواسطه دیگر این نشانها خلاص شده اند یا بواسط دیگر نیز خلاص یافته اند ؟
ما اصلاً این اصل را نمی شناسیم که از يك کسی بواسطه داشتن نشان بتوانند حمایت كنند .
ما منكر كاپیتولاسیون هستیم و هر کسی در خاک ماست چه اهالی مملکت و چه غیر اهالی مملکت حكومتش با ما است و ما باید بگوئیم که هیچكس بواسطه داشتن نشان خارجه نمی تواند در کارها مداخله كند ما که اصولاً منكر كاپیتولاسیون هستیم و حكومت خود را این طور می شناسیم بنا بر این هر كس در خاک ماست حكومتش با ما است ممكن است گفته شود يك اشخاصی در این مملکت از نشانهای خارجه سوء استفاده کرده اند مگر تنها نشان گیرنده اجزاء اداره دولتی است ؟
فرضاً شما آمدید و بواسطه پيشهاد يك عده مستخدمین دولتی را از گرفتن يك عده معروف كردید آیا يك شخصی را که نشان دولتی نیست او را هم می توانید منع كنید ؟
باز هم تكرار می كنم هر كس از این مملکت است حكومتش با اهالی این مملکت می شویم و در اینجا هم داخل در شخصیات شدن خوب نیست چه ضرر دارد که ما يك قانونی وضع كنیم که ملت ایران مخصوصاً

امثال آنها
رئیس - رأی می گیریم پيشهاد آقای حاجی شیخ اسدالله
حاج شیخ اسدالله - بنده توضیحی دارم .
توضیح نظامنامه دارید ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده برائض سابقه خودم توضیح دارم
رئیس - بفرمائید
حاج شیخ اسدالله - حضرت والا تصور فرمودند که بنده عرض می كنم ما رسمیت میدهم بآن نشانهايي که سایرین می دهند .
خیر اینطور نیست همان طور است که شاهزاده فرمودند و بنده هم معتقد هستم لیکن بعضی از دول نشانهايي بیک اشخاص داده اند و بعنوان قانون مملکتی خودشان اظهار می کردند که این نشان ما دارای این خصایص است در این صورت چرا ما باید اسباب زحمت و اشكال برای خودمان درست كنیم
رئیس - این توضیح نبود
حاج شیخ اسدالله - مقصودم توضیح قسمت اولی عرایض خودم بود
رئیس - اینکه فرمودید استدلال بود نه توضیح رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پيشهاد آقایانی که این پيشهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قیامی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
پيشهاد آقای نصرت الدوله قرائت می شود
(بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پيشهاد می كنم ماده ۱۴ از این قرار اصلاح شود كلیه مستخدمین مستثنیات تبصره ماده ۱۵ این قانون) الی آخر (فیروز)
رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)
نصرت الدوله - در ماده چهاردهم كلیه مستخدمین نوشته شده و چون در ماده یازدهم يك مراتب خدمتی معین شده و بعد در تبصره ماده یازدهم بعضی اشخاص را از این مراتب خدمتی مستثنی کرده است ممكن است سوء تفاهم شود این است که بنده خواستم در موضوع نشان يك توضیحی داده باشم که مستثنیات هم که در تبصره ماده یازدهم ذكر شده است مشمول این ماده هستند برای اینکه آن تبصره عده را از قبیل والی ایالات و غیره مستثنی کرده است حالا اگر این عبارت را که ذكر کرده ام کافی نیست بهر عبارت که خود كمسیون این مقصود را ممكن است ادا

كند بنده هم قبول می كنم
مغیر - این توضیح را بهتر ترتیبی که باشد بنده قبول می كنم
رئیس . آقای مساوات (اجازه)
مساوات . بنده گمان می كنم محتاج باین توضیح نباشد بجهت اینکه این مستثنیات از این مراتب است نه مستثنیات از استخدام مراتب خدمت را باین چند قسم تقسیم کرده و گفته اند وزراء و معاونین وزراء خارج از این مراتب هستند .
نصرت الدوله . قانون برای مستخدمین است
رئیس . ماده ۱۴ اصلاح شده و قرائت می شود
بشرح ذیل قرائت شد
ماده ۱۴ . كلیه مستخدمین و مستثنیات تبصره ماده ۱۵ این قانون) بدون اجازه از دول از قبول نشانهای دول خارجه ممنوع هستند .
رئیس . رأی می گیریم بنده ۱۴
آقایانی که این ماده را تصویب می كنند قیام فرمایند
اكثراً نمایندگان قیام نمودند
رئیس . تصویب شد بقیه مذاکرات می ماند برای فردا .
پيشهادی از طرف آقای سهام السلطان و جمعی از نمایندگان بشرح ذیل قرائت شد
مقام متبحر ریاست محترم مجلس مقدس دامت شوكته
نظر باینكه وضع مالیاتهای مملکتی بموجب قانون اساسی از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است و وجوهاتی که در ایام فقرت بعنوان مالیات تحمیل شده هنوز از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته و اغلب اویاج آن هم بمجلس تقدیم نشد و نظر باینكه در ولایات و شهر ها و دهات از باغات مالیات مأخوذ می شود و مجدداً هم در ایام فقرت و در بعضی نقاط در دهه السنه تحمیلی برانگور شده و در شهرها و جویهای انكور واردی دریافت می شود و از ولایات هم در این موضوع شكایت متعدده رسیده است امضا كنندگان ذیل برای اینکه این تحمیل را که اضافه بر مالیات معمول است طاقت فرسا می دانیم لهذا از مجلس مقدس تقاضا می شود که بدولت خاطر نشان شود که بتمام نقاط و ولایات تلگراف شود از این تاریخ ببعد وجوهی را که از انكور در شهرها گرفته می شود موقوف دارند
سهام السلطان . عیدالوهاب رضوی سلطان العلماء . طباطبائی . رستم اسفندیاری . ابراهیم ملك آرائی . حاج شیخ محمد حسن . محمد حسین نصیر دیوان امیر ناصر . بهاء الملك . ابراهیم قی . محمد هاشم میرزا . مدرس . صدر الاسلام

سیدالمحققین . منتصرالملک . اسانالملک
حمیدالملک . سید حسن بلوچ . ابراهیم
زنجانی . امین الشریعه . حسین صدرائی .
نصرالله شبانی . عدل السلطنه . سردارمفتح
محمد تقی طباطبائی . فتح الدوله . احتشام -
الدوله . ناظم العلماء . سید فاضل کاشانی
الاحقر شریعتمدار فرج الله . حسن الحسینی
کاشانی

رئیس - آقای سهام السلطان
(اجازه)

سهام السلطان . مکرر در این مجلس
راجع بمالیاتهای که در ایام فقرت وضع
شده و گرفته شده اظهار شده است که باید
از طرف دولت بمجلس پیشنهاد شود و
مراحل قانونی خود را طی کرده سمت
رسمیت پیدا کند و چون بعضی از مالیاتها
هست که قانونش بمجلس تقدیم نشده و از
جمله آنها مالیات انگور است و آنچه بنده
تحقیق کرده ام گویا در سنه ۱۳۳۴ از طرف
وزارت مالیه يك تلگرافی بولایات مخابره
شده و این مالیاتی را که امروز مأخوذ میکنند
از آنوقت شروع بگرفتن آن نموده اند و
اغلب از ولایات هم که این مالیات را نپرداخته
اند برای آنها طاقت فرسا بوده است و يك
شکایتی کرده اند منجمه در عراق چون
زندگانی فقرای آنجا بواسطه انگور است
و هر کدام يك باغ کوچکی دارند و بواسطه
آن امرار معاش می نمایند چون از عهده
پرداخت این مالیات بر نمی آمدند باین جهت
تا کنون آنرا نپرداخته اند و چند وقت قبل
بازخواستند این وجه را بگیرند باز هم مردم
در تلگرافخانه اجتماع کرده و تعطیل نموده و
شکایات زیادی از آنها بمجلس و بدولت
رسیده است و همانطور که عرض کردم این
يك تمدی است نسبت بآنها که نمی توانند
آنرا تحمل بکنند و هر کدام از آنها يك
باغ کوچکی دارند که دوسه من انگور از
آنجا می آورند می فروشند و امرار معاش
می نمایند از طرف دیگر درب دروازه ها
آب نمک و غیره بانگور میزنند و آنوقت
استفاده هایی که بایستی از او بکنند از قبیل
یختن شهره و غیره از آن استفاده ها
معروم میمانند لذا جمعی از آقایان تقاضا
کرده اند چون وضع این مالیات دوره فقرت
شده است و قانونی نیست آنرا موقوف
بدارند و گرفته نشود

رئیس . آقای آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل . بنده موافقم

رئیس . آقای نجات

(اجازه)

آقا میرزا محمد نجات . این پیشنهاد
آقایان نزدیک است موقعش بگذرد آقای
سهام السلطان هم گویا در این باب دقت
نفرموده اند زیرا مالیاتی که دولت از انگور
می گیرد از انگوری که برای ریختن سر که
و یختن شیر و خوراک می آورند بهیچ وجه

مالیات گرفته نمی شود و این مالیات از ملل
متنوعه گرفته می شود

(همه به بین نمایندگان)

نجات . اجازه بفرمائید . اینک
می فرمائید درب دروازه ها نمک می زنند
اگر انگور را برای سر که بخواهند هیچ
ضرری ندارد که نمک بزنند
بسر که هم نمک می زنند فقط نمک
زدن باعث این می شود که نتوان از آن
استفاده نمود و آن را بنده نمی توانم این جا
بیان کنم .

رئیس - آقای آقا سید فاضل
(اجازه)

آقا سید فاضل . بنده عرض می
کنم گویا در سنه سی و چهار یاسی و پنج
بود که این مالیات بر مردم تحمیل شد و
اهالی کرمانشاه و کنکاور و جاهای دیگر
بزحمت انداخته بود و بنده خودم بوده ام
و دیده ام و همانطور که آقای سهام السلطان
فرمودند معاش آنها بواسطه دوسه من
انگور است که از باغ می آورند و می فروشند
و بنده این مالیات را تصویب نمی کنم و
صحیح نمی دانم و سایر مالیاتهایی که
بغیر قانون گرفته می شود و اهالی هم روز
شکایت می کنند باید آنها نیز بر داشته
شود این مالیات انگور هم که قانونی نبوده
و بتصویب مجلس نرسیده است و به علاوه
معاش عمومی مردم است و باید گرفته نشود
بنابراین خوب است دولت بامتنای مالیه و
پیشکاران ولایات اطلاع بدهد که بعد
از این این مالیات از اهالی گرفته نشود
و اینکه آقای نجات اظهار کردند که در
موقع امسال آن گذشته است بنده عرض
می کنم هنوز در بعضی جاها انگور هست
عجالتا آنطوری که پیشنهاد شده است
و جمعی آن را امضاء کرده اند خوب است
عطف توجهی شود که این مالیات گرفته
نشود .

رئیس . آقای اقبال السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان . در موقعی که این

پیشنهاد را تقدیم مجلس کردند بعضی از آقایان
نمایندگان آنرا امضاء کرده بودند و بنده
هم آنرا امضاء کرده بودم ولی بعد يك
اشکالاتی برای بنده پیش آمد و آن این
است که اگر دولت را از گرفتن مالیات منع
کنیم گمان می کنم تصدیق ضمنی نسبت
بمالیاتهای دیگری که بتصویب مجلس نرسیده
است کرده باشیم اگر بنا شود بگوئیم این
مالیات را نگیرند باید بگوئیم تمام مالیات -
ها نمی که بدون تصویب مجلس از مردم گرفته
می شود بیکدر تبه لغو شود والا اگر رأی
بدهیم که مالیات گرفته نشود یعنی سایرین
گرفته شود و آقای سهام السلطان يك طوری
صحبت کرده که این اشکال برای بنده
پیش آمده .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تصور میکنم
آقای اقبال السلطان که شخص عزیزی هستند
این فرمایش را فرمایند .
همان طور که اثبات شئی نفی ماعدأ
نمی کند .

نفی شئی هم اثبات ماعدأ نمی کند
اگر تشریف بیاورند در کمیسیون عرایض
و شکایات را ملاحظه کنید می بینید چه قدر
مأمورین دولت بر مردم فشار می آورند باین
جهت بود که مادر خواست کردیم این را پرت
به مجلس بیايد .

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی
می دانند ؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد
آقایانی که این پیشنهاد را تصویب
می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .

مراسله از اعضای پست رسیده برای
اطلاع آقایان قرائت می شود .
(شرح ذیل قرائت شد)

از مقام محترم ریاست مجلس مقدس
شورای ملی استدعا میکنم امر فرمائید
عریضه حاضر در مجلس علنی قرائت شود .
ساحت مقدس مجلس شورای ملی
شید الله ارکانه .

بر اثر فریادهای سه ساله اعضای اتحادیه
پست و مساعدت نمایندگان محترم و توجه
اولیای دولت باظهارات آنها راجع به
عملیات بیست ساله مسیو کامل مولیتر بالاخره
کمیونی در دربار با حضور جمعی از آقایان
نمایندگان و چند نفر از وزراء سابق پست
و تلگراف و در نتیجه اعتراضات آقایان
نمایندگان به عدم صلاحیت کمیسیون مزبور
جلسه بدون اخذ نتیجه منحل گردید پس از
چندی جلسه دیگری با عضویت آقایان
وحیدالملک - خیر السلطنه - انتظام الملک
و محاسب الملک در دربار تشکیل یافت و ۳
نفر از اعضاء پست نیز برای تقدیم اطلاعات
لازمه دعوت و در اطاق انتظار متوقف شدند
و در نتیجه مطالعات و مذاکرات سه نفر
مذکور حاضر گردیده و از طرف آقای
وحیدالملک به آنها اظهار شد رأی کمیسیون
بر این قرار گرفت که کمیسیون دیگری در وزارت
پست و تلگراف تحت ریاست آقای خیر -
السلطنه معاون وزارت با حضور رؤسای
درجه اول اداره پست برای اتخاذ نتیجه
قطعی تشکیل شود و ضمناً توصیه فرمودند
که راجع بخطا کاری های مسیو کامل مولیتر
اظهاری نشود زیرا در نتیجه این خطا کاری
مشارالیه از خدمت دولت ایران منفصل
گردیده است و فقط مذاکرات باید راجع
باختلاسات و خیانات او بعمل آید این بود

این است که ما اعضاء اداره پست پس
از معطوف داشتن خاطر محترم آقایان
نمایندگان مجلس ملی را به مشروحات فوق
متذکر می شویم چنانکه مسیو کامل مولیتر
پس از ثبوت چندین صد هزار تومان اختلا
در يك کمیسیون رسمی و انتشار جزء آن در
جرايد ایران و ممالك خارجه بمأموریتی از
طرف دولت نایل شود مثل این است که
از طرف دولت جواز دزدی و خیانت به مردم
مستفیدین داخله و خارجه داده شود در
مقابل اختلاسات همه و آنها را بدمم مجازات
و سیاست اطمینان دهند .
ما اعضاء کنندگان بوظیفه خوش
عمل نمودیم تا رای نمایندگان محترم
اقتضا کنند .

که کمیسیون مزبور بر ریاست آقای خیر
السلطنه و بعضویت آقایان مستشارالوزار
شاهزاده معاضدالدوله - مشیر السلطنه -
معمدالوزاره و معاون الوزاره تشکیل و
نفر از اعضاء اتحادیه پست بعنوان مدعی
حضور بهم رسانیده شروع بمذاکرات کردند
و در نتیجه انعقاد هیجده جلسه کمیسیون
مزبور و فقره رای پورت مفصل تهیه گردید
تقدیم هیئت محترم دولت شد .

يكی راجع به تمبرهای بین المللی
که قیمت آن به دویست هزار تومان بالغ
می شود و دیگری که قسمتی از آن راجع
به تمبرهای بوشهر است چهل و هشت هزار
تومان قیمت دارد (دو نفر از تجار معرونی
تبر فروش تهران در کمیسیون حاضرند
و تمبرهای بوشهری را به مبلغ سی و دو
هزار تومان می خریدند) و قسمتهای دیگر
آن راجع به تمبرهای سورهارژ شد
کرمانشاهان در زمان مهاجرت و غیره است

آخرین رای پورت که راجع به محاسبه
و وجوه نقدینه و جرایمی که مسیو کامل
مولیتر من غیر حق برداشت نموده بود و
مطابق تحقیقاتی که بعمل آمده ام به ایشان
از ایرتهای فوق بیشتر است یا این که
مطرح مذاکره گردیده و چند فقره جزئی
آن منجمه يك فقره که بالغ بر يك هزار
شصد و کسری تومان است متأسفانه
مسکوت عنه باقی ماند و از آن تاریخ بقیه
بعمل نیامده است با اثبات سیصد هزار
تومان اختلاس اخیر اخذ شده می شود که مسیو
کامل مولیتر و وسایلی برانگیخته تا دعوی
که نسبت بمشارالیه اتمام و ثابت گردیده
است مسکوت گذارده شود و مانند يك
شخص صالح که مدت خدمتش به صداقت
تمام شده و امروز خود را مستحق پاداشی
از طرف دولت ایران بداند نه تنها مستحق
خود را با آن ترتیب هیچکسی کدر کمتر
اوقید گردیده است دریافت دارد بلکه
تحصیل مأموریتی در جنوب ایران در خارج
اداره پست نموده بدین وسیله خود را تظلم
نماید .

این است که ما اعضاء اداره پست پس
از معطوف داشتن خاطر محترم آقایان
نمایندگان مجلس ملی را به مشروحات فوق
متذکر می شویم چنانکه مسیو کامل مولیتر
پس از ثبوت چندین صد هزار تومان اختلا
در يك کمیسیون رسمی و انتشار جزء آن در
جرايد ایران و ممالك خارجه بمأموریتی از
طرف دولت نایل شود مثل این است که
از طرف دولت جواز دزدی و خیانت به مردم
مستفیدین داخله و خارجه داده شود در
مقابل اختلاسات همه و آنها را بدمم مجازات
و سیاست اطمینان دهند .
ما اعضاء کنندگان بوظیفه خوش
عمل نمودیم تا رای نمایندگان محترم
اقتضا کنند .

رئیس مؤتمن الملک

جلسه ۱۶۰

صورت شرح مجلس

یوم چهارشنبه نهم عقرب

۱۳۰۱ مطابق ۱۱ ربیع الاول

۱۳۴۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب

بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم ۳ شنبه هشتم

عقرب را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای نجات

اجازه

آقا میرزا احمد نجات - بنده در پیشنهاد

راجع بالقاء مالیات انگور مخالف بودم و

در صورت مجلس بآن اشاره نشده است

رئیس - اشاره می شود صورت جلسه

باین یک فقره اصلاح تصویب شد . طرح

قانونی استخدام از ماده پانزدهم مطرح است

(ماده پانزدهم را آقای مستشار السلطنه

شرح ذیل قرائت نمودند)

ماده پانزدهم - مراتب خدمت در ادارات

کشوری بقرار ذیل است :

۱ - ثباتی

۲ - منشی گری سوم

۳ - منشی گری دوم

۴ - « اول

۵ - مدیری شعبه

۶ - مدیری دایره

۷ - معاونت اداره

۸ - ریاست اداره

۹ - مدیری کل یا معاونت اداری

تبصره - مقام وزارت و معاونت وزارت و

سفارت کبری و سفارت فوق العاده و والی

ایالات و قضات و مدعی العموم دیوان عالی

نیز و اعضاء شورای دواتی و اعضاء متغیبه

دیوان محاسبات خارج از مراتب مذکوره

فوق و تابع قانون جدا گانه خواهد بود

رئیس - آقای اقبال السلطان

اجازه

اقبال السلطان - برای اینکه در جواب

گفته نشود که این اسامی که ذکر شده

درجات خدمت است این است که قبلاً عرض

می کنم که این درجات باید در معنی حقیقی

خودش وجود داشته باشد که با سایر مشاغل

تطبیق شود و باید ثباتی و منشی گری